

## معرفی‌های اجمالی

امام مهدی در آیین قلم؛ مؤسسه اطلاع‌رسانی مرجع، چاپ اول، ۲ جلد، قم: ۱۳۸۸، ۱۳۹۲، ص، رحلی، نمودار، به همراه لوح فشرده.



اندیشمندان از پیش از تولد امام مهدی (عج) به خلق آثاری درباره ایشان مشغول بوده‌اند. این تلاش در طول چهارده قرن ادامه پیدا کرده است و هم‌اکنون نیز ادامه دارد و البته با جدیتی بیش از گذشته دنبال می‌شود. نتیجه این تلاش‌ها، خلق هزاران تألیف در قالب‌های مختلف است.

در دوران معاصر، فهرست‌هایی از آثاری درباره امام زمان (ع) عرضه شده است که دارای ضعف‌ها و کاستی‌های بسیاریند. یکی از نمونه‌های مفصل آن، کتاب‌نامه امام مهدی تألیف علی‌اکبر مهدی‌پور است که در سال ۱۳۷۵ در دو جلد و زیری به چاپ رسید. این کتاب، ۲۰۶۶ عنوان از منابع مهدوی را توصیف می‌کند و آنها را به همراه زندگی‌نامه پدیدآورنده و تصویر جلد هر منبع، ارائه می‌دهد. یکی دیگر از این کتاب‌شناسی‌ها که در سال ۱۳۸۱ توسط

مؤسسه پارسا فراهم آمد و به چاپ رسید، مرجع مهدویت نام دارد و شامل فهرست و چکیده ۳۳۳۶ منبع درباره مهدویت و امام مهدی (عج) است. این کتاب مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت؛ ولی ساختار آن، از اصطلاح‌نامه درختی یا شیوه‌تزاروس پیروی می‌کرد که برای پژوهشگران ایرانی، نامأنوس بود.

هم‌اکنون مجموعه دو جلدی امام مهدی (عج) در آیین قلم توسط همان مؤسسه فراهم آمده است و پیش روی پژوهشگران و مهدی‌پژوهان قرار دارد. این اثر را باید نسخه و نگارش دوم از مرجع مهدویت دانست که شامل معرفی ۳۱۵۰ کتاب، ۲۵۹۰ مقاله نشریه، ۹۲۵ مقاله مجموعه، ۷۰۸ پایان‌نامه و چندین نسخه خطی، یعنی در مجموع شامل فهرست و چکیده ۷۵۵۰ منبع درباره مهدویت و امام مهدی (عج) است.

کتاب پس از دو صفحه درآمد، آغاز می‌شود و آن‌گاه راهنمای استفاده‌کنندگان پیش روی قرار می‌گیرد که برای کاربران بسیار راه‌گشا است و شیوه کار با این اثر را بیان می‌کند (صص پانزده- بیست و دو). این بخش همواره مورد توجه منتقدان کتاب است و گاه همین قسمت، بدون هیچ تغییری به عنوان معرفی و نقد و بررسی اثر در نشریات به چاپ می‌رسد! در ادامه، بخش اصلی کتاب آغاز می‌شود. در این بخش، منابع مربوط به شخصیت، فضایل و مقامات، سیره و تاریخ زندگی امام مهدی (عج) و اندیشه‌های کلامی مربوط به مهدویت آمده است.

سعی مؤلف بر آن بوده تا هر منبعی که از نظر موضوعی در قلمرو طرح قرار داشته است، فیش برداری شود؛ در این راه، علاوه بر منابع موجود در دو کتابخانه وابسته به مؤسسه پارسا،

از آنجاکه این کتاب به منابع تازه چاپ و معاصر می‌پردازد، ضمیمه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. در این ضمیمه، گزیده‌ای از نسخه‌های خطی مهدویت که در دسترس قرار داشته‌اند نیز به ترتیب الفبایی نام کتابخانه‌ها معرفی شده است (ص ۱۰۹۵-۱۱۵۵).

سپس فهرستواره‌های فنی، شامل فهرستواره عنوان‌ها، عنوان کتاب‌ها، پدیدآورندگان، ناشران، نشریات و عنوان‌های لاتین آمده است (ص ۱۱۵۹-۱۳۷۵).

پایان بخش کتاب، نمودارهای آماری است (ص ۱۳۷۷-۱۳۹۱). سیزده نمودار میله‌ای، اطلاعات موجود در این اثر را به صورت نمودار نشان داده‌اند. این نمودارها چنین بیان می‌کنند که لطف الله صافی گلپایگانی پرکارترین نویسنده، «موعود» پرکارترین نشریه، سال ۱۳۸۵ پرکارترین سال، مسجد مقدس جمکران پرکارترین ناشر، ایران پرکارترین کشور و قم پرکارترین شهر در زمینه تولید منابع مهدویت به شمار می‌رود. و در پایان چند پیشنهاد:

راهنمای استفاده کنندگان در واقع شبیه همان راهنمای کاربران است که در آغاز تمام آثار تولیدشده مؤسسه پارسا به چشم می‌خورد؛ در حالی که خوانندگان مجموعه پیش رو، به شیوه‌نامه کامل تری نیاز داشتند تا با نحوه گردآوری اطلاعات در این مجموعه بیشتر آشنا شوند. اکنون خواننده نمی‌داند منابع معرفی شده در این اثر چه بازه‌ای از زمان را در برمی‌گیرد.

پسندیده بود کتابنامه‌های مهدویت که تا کنون منتشر شده‌اند، با اثر حاضر مقایسه شوند.

به جا بود در نمودارها، منابع شیعیان و اهل سنت از لحاظ آمار با یکدیگر سنجیده می‌شدند.

سرشناسه‌ها هرچند بسیار بهتر و پیشروتر از خانه کتاب و کتابخانه ملی است، ولی باز هم به اصلاح و تکمیل نیاز دارد. چه بسیار پدیدآورندگانی که در میان ما نیستند، ولی سال مرگ آنان درج نشده است؛ همچنین ممکن بود از میان زندگی‌نامه‌های موعودشناسان در کتاب شناسی‌های مربوط به امام زمان (عج) و پایگاه‌های اینترنتی، سرشناسه‌ها تکمیل و مستندسازی شوند.

فهرستواره‌ها می‌توانست در سه ستون تنظیم شود تا جای کمتری به خود اختصاص دهد.

محمدرضا زاهدوش

کتابخانه‌های شخصی و عمومی، تخصصی و غیر تخصصی شناسایی و منابع موجود در آنها فیش برداری شده‌اند. برای رعایت اختصار، هرکدام از این کتابخانه‌ها با رمزهایی مشخص شده‌اند.

ساختار این اثر برخلاف نسخه پیشین، از شیوه موضوعی پیروی می‌کند. در این ساختار جدید، بعضی از موضوعات ریز و فرعی حذف شده است؛ بنابراین تقسیم‌بندی بدنه منابع، به صورت موضوعی است و چینش آن ابتدا بر اساس موضوع و پس از آن نام پدیدآورنده و سپس عنوان به ترتیب الفبایی شکل گرفته است.

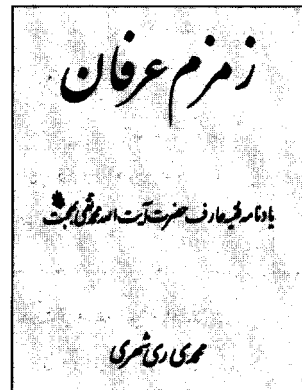
در چینش موضوعی، این مشکل وجود داشته است که منابع مربوط به مهدویت، درباره موضوع خاصی بحث نکرده‌اند، و بیشتر منابع، موضوعات متعددی را مورد تحقیق قرار داده‌اند؛ پس بایستی در همه یا اکثر موضوعات، نمایه‌سازی می‌شده‌اند که مقدور نبوده است؛ بنابراین بیشترین موضوعی که هر منبع به آن پرداخته است، مورد توجه قرار داده‌اند؛ هرچند وجود لوح فشرده به همراه کتاب، کار تحقیق را آسان‌تر و این‌گونه ضعف‌ها را جبران می‌کند.

با بررسی این موضوعات در می‌یابیم بیشترین آثار به ترتیب در موضوعات ظهور، انتظار فرج، فضایل، نظریه‌ها، حکومت، غیبت، منابع مهدویت، شبهات، زندگی‌نامه امام زمان و آخرالزمان پدید آمده‌اند.

در این اثر، منابع گوناگونی همچون کتاب، مقالات نشریه، مقالات مجموعه، مقالات دائرةالمعارف و پایان‌نامه معرفی شده‌اند و این تنوع، منابع باعث شده است برخی از عناوین به صورت تکراری معرفی شوند؛ زیرا در مجموعه‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند؛ ولی هر کتاب تنها یک بار معرفی شده است و تعدد مشخصات آن، مانند نوبت چاپ و سال نشر، باعث معرفی مجدد آن نشده است؛ مگر آنکه ویژگی خاصی در معرفی دوباره منبع وجود داشته باشد؛ مانند آنکه یک کتاب و ترجمه‌اش جداگانه معرفی شوند، یا کتابی در دو چاپ مختلف دارای محقق یا شارح متفاوت باشد و یا توسط ناشران مختلف به چاپ رسیده باشد.

بعضی از منابع با عنوان پایان‌نامه آمده‌اند؛ ولی رساله پایان تحصیل نیستند، بلکه کارهایی تحقیقاتی به شمار می‌روند که توسط برخی از نهادهای دانشگاهی زیر نظر استادان به انجام رسیده‌اند.

زمزم عرفان: یادنامه فقیه عارف، حضرت آیت الله محمدتقی بهجت؛ محمد محمدی ری شهری؛ چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش، ۵۲۳ ص، وزیری.



آیت الله محمد محمدی ری شهری همواره در صدد فرصتی بود تا با برقراری ارتباط با حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت، از محضر او بهره مند گردد. پس از انتصاب آیت الله ری شهری به سمت نمایندگی رهبری در حج، در سال ۱۳۷۰ چنین زمینه ای فراهم گردید. از آن تاریخ وی هر سال پیش از عزیمت به سوی خانه خدا و پس از بازگشت از سفر معمولاً به محضر آیت الله بهجت شرفیاب می شد و از رهنمودهای معظم له بهره می برد.

در این دیدارها که گاه نزدیک یک ساعت به طول می انجامید، معظم له مطالبی متنوع درباره قرآن، حدیث، فقه، اصول، اخلاق، عرفان، کشف و کرامات علمای سلف، حج، امام خمینی، انقلاب اسلامی و برخی امور سیاسی بیان می فرموده است؛ همچنین گاه، رهنمودهایی خاص درباره برخی اذکار و اعمال داشتند که آیت الله ری شهری برجسته ترین آنها را در محضر ایشان یا پس از آن، یادداشت می کرده است.

ری شهری بنا داشت این یادداشت ها را پیش از ارتحال آیت الله بهجت همراه خاطراتی دیگر منتشر کند، اما با حادثه تأسف بار ارتحال معظم له روبرو می شود؛ لذا یادداشت های مربوط به معظم له را جدا کرده، پس از تکمیل آن، به صورت کتابی مستقل و با عنوان «زمزم عرفان» نشر داد.

مجموعه این رهنمودها و مطالبی دیگر که در ادامه می آید، محتوای کتاب زمزم عرفان را تشکیل می دهد.

مطالب کتاب در چهار بخش سامان یافته است:

بخش اول: جمع بندی و تحلیل مهم ترین رهنمودها

مهم ترین رهنمودهای آیت الله العظمی بهجت به آیت الله ری شهری و برخی رهنمودها در کتاب های دیگر، در این بخش گرد آمده است. اما آنچه این رهنمودها را بارورتر کرده، تحلیل های مختصر و افزودن آیات و روایات متناسب با

موضوع، به همت نویسنده است. نظر به شخصیت علمی نویسنده، این توضیحات در خور توجه است.

مطالب این بخش در ده فصل زیر تنظیم شده است:

قرآن، حدیث، فقه و اصول، ارزش های اخلاقی و عملی، فلسفه و عرفان، کشف و کرامت، حج و سرپرستی حجاج، امام خمینی و انقلاب اسلامی، سیاست، رهنمودهای ویژه (راهنمایی ها به شخص نویسنده).

با توجه به انزوای آیت الله بهجت و حضور کم رنگ ایشان در امور سیاسی و اجتماعی، از میان فصل های مذکور، دو فصل «امام خمینی و انقلاب اسلامی» و «سیاست» بیشتر جلب توجه می کنند.

نکاتی در این دو فصل دیده می شود که در جاهای دیگر کمتر می توان یافت و بعضی ابهام ها را برطرف می کند. سکوت امام خمینی در برابر حرکت فدائیان اسلام - در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - برای برخی سؤال برانگیز است. ذکر خاطره ای از آیت الله بهجت، تا حدی این ابهام را برطرف می سازد. وی می گوید: «آقای [سید عبدالحسین] واحدی، از فدائیان اسلام، در مدرسه فیضیه منبر رفت. آقای خمینی هم در جلسه حضور داشت، اما تا او مشغول سخنرانی شد، ایشان مجلس را ترک کرد. [گویا] فردای آن روز، ایشان به منزل ما آمد و بدون اینکه من چیزی بگویم، گفت: علت بلندشدن من از مجلس سخنرانی واحدی اعتراض به سخنان واحدی بود» (ص ۱۸۲).

برخی خاطرات نیز نشان دهنده مقام معنوی امام خمینی است. آیت الله بهجت می گوید: «اسراری از آقای خمینی می دانم که تا کنون نگفته ام و نخواهم گفت» (ص ۱۸۱).

خاطره ای دیگر، علاوه بر نشان دادن رفت و آمد امام خمینی به منزل آیت الله بهجت، از توکل حضرت امام به خداوند حکایت دارد: «از آقای خمینی نقل شد و در منزل ما هم فرمود که: ابتدا ما اشتباه کردیم که به مردم اعتماد نمودیم و تکیه گاه خود را مردم قرار دادیم. این امر ده سال کار انقلاب را به تأخیر انداخت. باید به خدا اعتماد می کردیم و به او پناه می بردیم» (ص ۱۸۳).

در مورد قضیه مشروطیت و تأیید و مخالفت برخی فقها، مطالبی در خور توجه از صفحه ۱۹۱ - ۲۰۲ نقل شده است که در آن مطالبی در خور توجه دیده می شود.

بخش دوم: گفتگو با حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی آقا بهجت، فرزند گرامی آیت الله بهجت

آیت الله ری شهری در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۲ (۱۶ ذی حجه ۱۴۳۰) در مکه مکرمه گفتگویی با حجت الاسلام شیخ علی بهجت انجام می دهد. متن کامل این گفتگو به عنوان دومین بخش کتاب درج شده است.

تحقیقات فارسی وابسته به رایزنی ایران در هند تدوین و نخستین دفتر / جلد آن منتشر شده است. این دفتر که به دکتر مهدی خواجه پیری، فرهنگی کوشا و تلاشگر عرصه نسخه های خطی ایرانی-اسلامی در هند و مدیر مرکز میکرو فیلم نور در هندوستان تقدیم شده است، شامل مقالات ذیل می باشد:

- «حاذق گیلانی و گزیده شعرهای او»؛ تحقیق و تصحیح احمد گلچین معانی؛ ص ۲۱-۵۷: این مقاله را که جزو کارهای چاپ نشده مرحوم گلچین معانی، پژوهشگر دیوان ها و سفینه های شعری عصر صفوی و فرد خیبر و صاحب نظر درباره فارسی گویان هند و به هند رفتگان فارسی به شمار می رود، آقای بهروز ایمانی از فرزند مرحوم گلچین گرفته و به شکلی مطلوب، با دیاچه ای چهار صفحه ای در توضیح آن منتشر کرده است. از قرار معلوم، گلچین معانی در دفترچه ای شخصی شرح احوال چند تن از جمله حکیم کمال الدین نجیب الدین همام گیلانی متخلص به «حاذق» (۱۰۶۷ق) را بر اساس منابعی چون مآثر رحیمی، شاهجهان نامه، کلمات الشعراء، سرو آزاد و تذکره نصرآبادی تدوین کرده است. وی همچنین گزیده ای از اشعار دیوان حاذق و مثنوی گنج و طلسم او را از روی سفینه ای خطی از سده یازدهم متعلق به خودش، در این دفترچه نویسانده است که اینک به این صورت در اختیار ماست. طبق پیش توضیح بهروز ایمانی، از دیوان حاذق نسخه هایی در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب لاهور (به خط خود حاذق)، موزه بریتانیا، بانکپور و موزه سالار جنگ در هند نگهداری می شود. وی هفت مثنوی نیز داشته که گویا همه آنها را اکنون در اختیار نداریم.

- «نامه های تاج الدین اختستان دهلوی و ارتباط او با عمادالدین فقیه کرمانی»؛ تحقیق و تصحیح بهروز ایمانی؛ ص ۵۹-۱۰۹. محمدصدر علاء احمد حسن دبیر عبدوسی ملقب به تاج الدین، ملک اختستان دهلوی، از شعرا و مترسلان هند در سده هشتم قمری و صاحب کتابی به نام بساتین الانس (تألیف و ترجمه شده در ۷۲۶ق و در بیست و شش سالگی نگارنده اش) است که بر اساس تحقیقات مصحح، نامه هایی دارد به صوفی شاعر مآب سده هشتم کرمان، عمادالدین فقیه کرمانی (۷۷۳ق). این نامه ها که از آن در مجموعه ۲۱۸ سنا (کتابخانه مجلس شماره ۲) و نیز نسخه دانشگاه تهران به شماره ۵۵۶۷ رونوشت هایی باقی است، روشنگر ارتباط دو ادیب بزرگ ایران (کرمان) و هند (دهلی) است که در نوع خود بسیار ارزنده است. در تصحیح این نامه ها نسخه سنا، به خط نصرالله بن عبدالمومن منشی سمرقندی، از مترسلان سده نهم قمری، اساس قرار گرفته و در مواردی از نسخه جدیدتر دانشگاه تهران به

در این گفتگو که نزدیک به شصت صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده است، نکات ناب فراوان دیده می شود. روشن است که وقتی شخصیتی مانند آیت الله ری شهری باب گفتگو را باز می کند، نکاتی قابل توجه و ارزشمند در آن دنبال می شود.

این مصاحبه به زوایای گوناگون زندگی آیت الله بهجت پرداخته است. پاره ای از این موضوعات عبارتند از: ویژگی های اخلاقی، ارتباط با امام خمینی، عصبانیت، نوع غذا، عمل به مستحبات، شخصیت علمی، استادان، کرامت ها، رمز موفقیت، ارتحال.

#### بخش سوم: یادداشت ها

آیت الله ری شهری خلاصه سخنان آیت الله بهجت را در هنگام حضور در خدمت معظم له در بخش سوم گرد آورده است. تاریخ یادداشت ها از ۱۳۷۰/۹/۱ آغاز می شود و در ۱۳۸۷/۱۱/۱۰ یعنی آخرین دیدار، پایان می پذیرد.

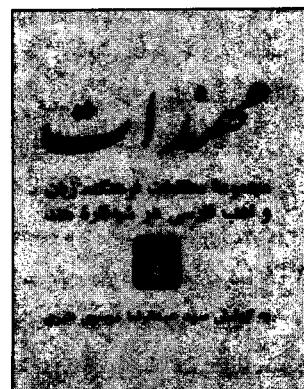
موضوع عمده این یادداشت ها، اخلاق و عرفان است و خاطراتی که معظم له از دیگران نقل کرده. در همین زمینه است. مطالبی در موضوعات سیاسی هم جلب نظر می کند، اما حجم آنها نسبتاً کمتر است.

#### بخش چهارم: زندگی نامه ها

در کتاب از اشخاص فراوانی نام برده شده و اگر خواننده با آنها آشنا نباشد، در بسیاری مواقع به اهمیت این نقل ها پی نمی برد؛ لذا نویسنده در پایان تلاش کرده است شرح حال مختصری از نامبردگان را به ترتیب الفبا عرضه کند. وی در این تلاش، موفق شده است زندگی نامه بیشتر نامبردگان را گردآوری کند.

سیدحسن فاطمی موحد

مُهنّات: مجموعه مطالعات فرهنگ، زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند؛ به اهتمام سیدعبدالرضا موسوی طبری؛ دهلی نو: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی و مرکز تحقیقات فارسی، بهار ۱۳۸۸، دفتر نخست.



مُهنّات، مجموعه مقالاتی است در حوزه ایران شناسی که به همت پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری و مرکز

عنوان منبع مشورتی یا کمکی استفاده شده است. مصحح این نامه‌ها سالیانی است که بر روی بساتین الانس پژوهش کرده، آن را آماده چاپ نموده است. اطلاعات دقیق زندگی نامه تاج الدین اختسان را باید در مقدمه بساتین جستجو کرد.

- «در احوال و آثار سیدسراج الدین خراسانی، معروف به سراجی؛ نوشته پروفیسور نذیر احمد؛ ترجمه دکتر فرهاد ساسانی؛ ص ۱۱۱-۱۷۱. مرحوم نذیر احمد، پژوهشگر توانای متون فارسی در هند- که شاید بتوان وی را جزو چند نفر ایران شناس برجسته هندی در سالیان معاصر دانست- پس از استاد سعید نفیسی تنها کسی است که درباره سراج الدین سگری خراسانی، شاعر سده هفتم قمری پژوهش‌های دقیقی کرد و سرانجام دیوان وی را تصحیح و منتشر نمود. مقاله نفیسی در واقع نوشته‌ای مختصر بود راجع به شاعر مزبور که به معرفی دستنویس منحصر به فرد آن نزد نگارنده مقاله می‌پرداخت؛ ولی نوشته نذیر احمد که بعدها در مقدمه دیوان شاعر (چاپ علیگر، ۱۹۷۲م) به زبان انگلیسی آمد، کامل‌ترین معرفی نامه احوال سراج الدین سگری به شمار می‌رود. این مقدمه اینک به فارسی در اختیار ماست.

- «هند و هندو در آثار نظامی گنجه‌ای»؛ دکتر بهروز ثروتیان؛ ص ۱۷۳-۲۰۸. در این مقاله که در کتابنامه پایانی اش منبعی جز اشعار نظامی چاپ نگارنده مقاله، دیده نمی‌شود، این دو بخش وجود دارد: الف) معرفت و حکمت هند از دیدگاه نظامی گنجه‌ای؛ ب) هندو از دیدگاه نظامی گنجه‌ای.

- «قطعات و معنیات ملک الشعرا شیخ ابوالفیض فیضی آگره‌ای»؛ تصحیح و تحقیق سید عبدالرضا موسوی طبری؛ ص ۲۰۹-۳۱۰. این قسمت، پژوهشی تصحیحی درباره قسمتی از دیوان فیضی آگره‌ای است که تا کنون منتشر نشده و از دیوان چاپ شده‌اش ساقط است. تصحیح قطعات از روی نسخه‌های ۶۶۷ سنا کتابت شده در ۱۰۰۵ ق، ۲۸۶۷ کتابخانه ملی تبریز مورخ ۱۰۵۰ ق، ۲۴۷۵ مجلس از سده دوازدهم و ۳۲۰ کتابخانه سپهسالار و یک نسخه منتخب (شامل تنها چهار قطعه) انجام گرفته است. معنیات فیضی هم از روی دو نسخه نخست در ادامه قطعات قرار گرفته است.

- «رای رایان آندرام مخلص»؛ شکیل اسلم بیگ؛ صص ۳۱۱-۳۲۳. تک نگاری‌ای است در قالب یک مقاله درباره یکی از ادیبان پارسی گوی شبه قاره، متخلص به «مخلص» (۱۱۶۴ق)، شاگرد بیدل دهلوی، صاحب کلیات اشعاری بالغ بر پنجاه هزار بیت و آثاری دیگر، مانند بدایع وقایع (خاطرات شخصی مخلص و ذکر وقایع زمان او تا سال ۱۱۶۱)، کارنامه عشق (داستان

عاشقانه‌ای به نثر درباره شاهزاده چینی «گوهر» و شاهزاده خانم «مملکت» که در سال ۱۱۴۴ ق نوشته شده است)، تذکره الشعراي مخلص (در احوال ۳۰۲ شاعر معاصر وی که دستنویس منحصر به فردش در مرکز پژوهشی عربی و فارسی تونک هند نگهداری می‌شود)، پری‌خانه (مقدمه‌ای بر مجموعه‌ای از آثار خطاطان و نقاشان، نگاشته شده در سال ۱۱۴۴ق)، رقعات مخلص، هنگامه عشق (تحریری مشهور به فارسی از داستان عاشقانه پدماوت، افسانه کهن هندی که نسخه‌ای از آن در پنجاب لاهور نگهداری می‌شود)، گلدسته اسرار (مجموعه یادداشت‌های پراکنده، از جمله نامه‌ها و رونوشت اسناد دولتی است)، مرآت الاصطلاح (فرهنگنامه‌ای از تعبیرات و اصطلاحات شاعرانه و ضرب‌المثل‌ها تألیف شده در سال ۱۱۵۷ق است)، چمنستان (مجموعه‌ای از لطیفه‌ها، کنایه‌ها و ظرایف است شامل اطلاعاتی بی‌نظیر از همعصران مخلص)، مرقع تصویر (مجموعه‌ای از نوشته‌ها و نامه‌های معاصران و اجداد مخلص است که «پری‌خانه» در واقع دیباچه آن به شمار می‌رود)، راحة الافراس (در نگهداری اسب) و چند اثر دیگر.

- «سراپا و بحر طویل»؛ سروده ملا محمد توفیق کشمیری؛ تصحیح ذبیح الله حبیبی نژاد؛ ص ۳۲۵-۳۵۴. «سراپا» گونه‌ای شعر، اغلب در قالب مثنوی است که در آن شاعر با استفاده از انواع صور خیالی که درباره وصف اعضای مختلف بدن معشوق در سنت ادبی عصر خود رایج بوده، طبع آزمایی می‌کند. توفیق کشمیری یکی از کسانی است که «سراپا» از وی برجای مانده است. وی که در سال ۱۲۰۱ ق و یا ۱۱۹۷ ق درگذشته است، بحر طویلی هم دارد که در این مقاله، تصحیحی از آن نیز به همراه سراپای او عرضه شده است. در تصحیح «سراپا» از چهار نسخه خطی و در تصحیح بحر طویل، از یک نسخه استفاده شده است.

- «منبع الانهار»؛ سروده ملا ملک محمد قمی؛ تصحیح علیرضا قوجه زاده؛ ص ۳۵۵-۴۹۳. ملک قمی شاعر پرورده خطه مرکز ایران (قم و کاشان) در عهد صفوی است که البته بیشترین بخش زندگی ادبی اش در هند گذشته است. وی شاعر مطرح روزگار خود و صاحب اشعار بسیار، از جمله دیوان و مثنوی‌های متعدد است که تعدادی را مشترکاً با دامادش ظهوری ترشیزی سروده است. یکی از مثنوی‌های ملک قمی منبع الانهار یا نورس نامه نام دارد که حدود ۲۰۶۲ بیت است و به پیروی از مخزن الاسرار سروده شده است. گویند ملک قمی در ازای سرودن آن، شترباری زر از عادلشاه، حکمران بیجاپور دریافت کرد. نسخه‌های به کاررفته در تصحیح این اثر، اینهاست: نسخه مورخ ۱۰۳۱ ق که میکروفیلمش در دانشگاه

حسین رضوی برقمی؛ ص ۵۷۹-۶۴۴. تفریح القلوب ترجمه ای از سده دوازدهم یا سیزدهم از کتاب «ادویه قلبیه» ابن سیناست که به دست احمد الله مدراسی (۱۲۱۷ ق) پزشک فارسی نویس دهلی انجام شده است. این تصحیح که مقدمه ای سودمند و تیزبینانه دارد، از روی تک نسخه ۸۵۷۸ کتابخانه مرعشی قم انجام گرفته است.

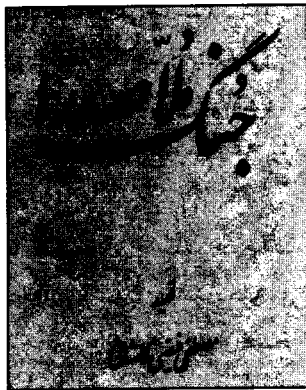
- «تأثیر و دگرگونی مضامین و قواعد تصویری ایرانی در نقاشی مینیاتور مغول»؛ نوشته میراکاره؛ ترجمه مریم صابری پور نوری فام؛ ص ۶۴۵-۶۶۶. این اثر، مقاله مفیدی است ترجمه شده از انگلیسی درباره مکتب نقاشی مغول در هند که به دست میرسید علی و عبدالصمد در عصر اکبرشاه به اوج رسید.

- «فهرستگان»؛ بهروز پارسا؛ صص ۷۰۵-۶۶۹. این فهرست، منعکس کننده تحقیقات ایرانیان و هندیان درباره ادبیات فارسی شبه قاره هند است که در دو بخش تدوین شده است: «فهرستواره کتاب ها و مقالات منتشر شده مربوط به زبان و ادبیات فارسی در هند، و تاریخ اسلامی هند (در سال های ۱۳۸۲-۱۳۸۳)» و «فهرستواره پایان نامه های تحصیلی درباره زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره (بخش نخست)» که قسمت اخیر اغلب، پایان نامه هایی را در بر می گیرد که در دانشگاه تهران دفاع شده اند.

در صفحات ۷۰۶-۷۵۶ نمایه عام و در هجده صفحه انتهایی، تصویر نسخه های خطی استفاده شده و نیز تصاویر مربوط به مقاله میراکاره دیده می شود.

کریم کتابیار

● جنگ ملاصدرا؛ تمهید: مصطفی فیضی کاشانی؛ ج ۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۸، ۴۷۲ ص.



صدرالدین محمدبن ابراهیم شیرازی (۱۰۵۰ ق) علاوه بر کتاب ها و رسالات متعدد فلسفی، اشعار و سفینه ای دارد که پیش از این کمتر به عنوان آثار قطعی الصدور او تلقی می شد. دانش پژوه در فهرست نگارش های صدرای شیرازی (چاپ

تهران موجود است؛ نسخه ۴۱۰ کتابخانه سلطنتی (کاخ گلستان) مورخ ۱۰۳۳ ق، نسخه ۴۱۳ همانجا مورخ ۱۰۶۷ ق و نسخه ۸۹۰۵ مجلس از قرن یازدهم قمری.

- «معرفی شرحی از دیوان بیدل»، از مؤلفی ناشناخته؛ تصحیح سید عبدالرضا موسوی طبری؛ ص ۴۹۵-۵۱۵. بنابر نوشته مصحح این قسمت و البته بدون انجام تفحصی جدی، گویا برای اشعار بیدل، تنها دو شرح به فارسی به صورت نسخه خطی باقی است که این نشانگر کم اقبالی شارحان به ابیات غامض بیدل است. یکی از این دو شرح که در سال ۱۳۲۷ ق نگاشته شده و فقط شامل شرح منتخبی از غزل های ردیف «الف» دیوان است، در کتابخانه گنج بخش پاکستان به شماره ۸۷۱۸ در ۲۵۹ صفحه ۲۱ سطری نگهداری می شود و مورد استفاده مصحح قرار گرفته است. ایشان هم برای عرضه نمونه ای، فقط شرح غزل نخست، تحمیدیه معروف بیدل (به اوج کبریا کز پهلوی عجز است راه آنجا) و غزل آخر این نسخه (ستم است اگر هوست کشد که به سیر سرو و سمن درآ) را تصحیح کرده است.

- «فتوحات فیروزشاهی»؛ تألیف فیروزشاه تغلقی؛ تصحیح و تحقیق سید سعید میرمحمد صادق؛ ص ۵۱۹-۵۵۷. فیروزشاه، سومین پادشاه تغلقی که در سال ۷۵۲ ق بر تخت سلطنت هند نشست، نخستین فرمانروای مسلمان هند است که خود شرح احوالش را نوشته و نکات عمده و ویژگی های سیاستش را شرح داده است. مؤلف تاریخ فرشته که از نگارش فیروزشاه بهره برده است، می نویسد: چکیده ای از فتوحات فیروزشاهی به دستور فیروزشاه بر گنبدی هشت پهلو در مسجد فیروزشاهی در فیروزآباد هند نوشته شده است که البته اینک اثری از آن باقی نیست. به هر حال این متن ارزنده را گروهی از پژوهشگران هندی تا کنون چندبار چاپ و یا ترجمه کرده اند. در تصحیح حاضر که متن را برای اولین بار در اختیار پژوهشگران ایرانی قرار می دهد، از دو چاپ دکتر محمد عبدالله جغتایی و دکتر شیخ عبدالرشید استفاده شده است.

- «سنت باغ های ایرانی در شبه قاره»؛ دکتر محمد مهدی توسلی؛ ص ۵۶۱-۵۷۷. این اثر مقاله سودمندی است درباره باغ های معروف شبه قاره که در ساخت و طراحی آنها از سنت باغ های ایرانی (چهارباغی) استفاده شده است. چند مورد از آن موارد چنین است: باغ الهی، باغ بحرآرا، باغ نسیم، باغ صادق خان، باغ چشمه شاهی، باغ شالیمار، باغ نشاط، باغ بابری پنجسور، باغ جهان آرا بیگم، باغ چندربهان، باغ تاج محل، باغ های اله آباد، لعل باغ و باغ نامدار.

- «تفریح القلوب»؛ ترجمه احمدالله مدراسی، تصحیح سید

دانشکده علوم معقول و منقول طهران، ۱۳۴۰ ش، ص ۶) درباره دیوان ملاصدرا چنین نوشته است: «دیوان- شعر او که شاگردش فیض کاشانی پاره ای از سروده های استاد را در بود او گرد آورده و نسخه ای از این گزیده در کرمانشاه در مجموعه ای به خط کاشانی [= فیض] نزد حاج آقاضیا پسر حاج آقامهدی هست. از یکی از رباعی های او برمی آید که او در پایان زندگی نابینا شده بود (ذریعة، ج ۹، ص ۶۰۰). گزیده ای از سروده های او در دانشگاه (ش ۲ / ۸۴۹، ف ۱۳۶) هست و شعرهای او سست است».

در کتابشناسی جامع ملاصدرا (ناهد باقری خرمدشتی؛ تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا- کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، بهار ۱۳۷۸، ص ۲۵- ۲۶). از اشعار- دیوان صدرای شیرازی با ارجاعات بیشتری به جنگ های خطی کتابخانه های تهران و مشهد یاد شده است.

اما آنچه تا سالیانی پیش در تملک خاندان فیضی (از نوادگان فیض کاشانی) بود، نشان داد میراث ادبی فارسی ملاصدرا نزد اعقاب شاگردش فیض کاشانی به خط اصل باقی بوده است؛ از این میان باید به مثنوی ملاصدرا اشاره کرد که نسخه اصل آن در همان خاندان نگهداری می شد و کتابخانه مرعشی آن را چاپ کرد. نمونه دیگر از این دست، جنگی است به خط ملاصدرا (مورد بحث این گفتار) که نمی دانم آیا همان جنگی است که خاندان فیض سالیانی قبل به کتابخانه ملی واگذار کرد یا چیز دیگر؛ توضیح اینکه برخی نسخه های خط فیض کاشانی، علم الهدی و ملاصدرا که در خاندان فیضی بود، به تدریج به کتابخانه های مرعشی، مجلس و ملی فروخته شد و جنگ مزبور اینک باید در کتابخانه ملی باشد. درباره یادداشت های جنگ مانند دیگری به خط ملاصدرا که جزو مجموعه ای در کتابخانه امام عصر شیراز نگهداری می شود، باید به چاپی که آقای محمد برکت از آن عرضه کرد و خط ملا را هم در پایان قرار داد، اشاره نمود.

اما بحث جنگ ملاصدرا، چاپ مرحوم مصطفی فیضی- که به نظر از همان نسخه ای باشد که به کتابخانه ملی واگذار شده- این است که چاپ حاضر، تصحیحی از نسخه جنگ مزبور با ویرایش حسن واعظی (مستول چاپ کتاب پس از درگذشت مرحوم فیضی) است و حسن آن، این است که جنگی از دانشوری نامدار چون صدرای شیرازی را برای کاویدن زوایای فکر و ذوق او بیش از پیش در اختیار می گذارد. این چاپ با

سخنی کوتاه از ویراستار درباره روش کار فیضی و اهمیت جنگ آغاز می شود. پس از آن پیشگفتار مرحوم فیضی بر کتاب آمده است که البته با جنگ ارتباط مستقیم ندارد و بیشتر درباره خود ملاصدراست. در پایان این پیشگفتار، بخشی کوتاه با عنوان «خصوصیات و مشخصات دستنویس ملاصدرا» آمده است که در آن ادعا شده: «تمامی این مجموعه [= جنگ] در سال ۱۰۰۴ هـ. ق در محضر ملامحمدباقر داماد نوشته شده است و در چند جای این مجموعه، دستخط شریف آن حکیم ربانی و فاضل صمدانی دیده می شود» که نیاز به بررسی بیشتری دارد و شاید بهتر بود گفته می شد: برخی قسمت های مجموعه در حضور میرداماد نوشته شده است.

متن جنگ، صفحه ۴۳- ۴۱۰ کتاب را دربر گرفته است که اندکی بدان پرداخته می شود. پس از آن نیز پیوستی از مرحوم فیضی (ص ۴۱۳- ۴۶۴) در شرح احوال برخی از رجالی که نام و آثارشان در متن جنگ هست، آمده است که به نظر لزومی به تهیه آن به این شکل نبود. در صفحات ۴۶۵- ۴۷۲ هم «فهرست تفصیلی مطالب» قرار گرفته است؛ اما نیاز اصلی خوانندگان کتاب- که البته از آن محروم مانده اند- وجود نمایه هایی برای جنگی این چنینی است تا از آن ساده تر بهره مند شوند.

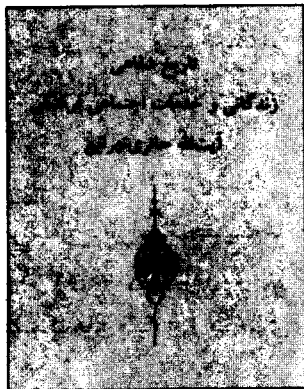
سنت جنگ نویسی که در برخی وجوه با سفینه نگاری پهلو می زند، سنتی است با پیشینه ای نه چندان روشن و نمی دانیم که نخستین بار چه زمانی و به دست چه کسانی نهاده شده است؛ ولی طبیعی است که دانشوران متقدم، برای ثبت نکات متفرقه ای که برایشان اهمیت بیشتری داشته است، به نگارش آنها در کاغذها یا دفترهای شخصی اقدام کرده اند و شاید بعدها به فکر تدوین آنها به صورت کتاب افتاده اند. این شیوه فیش برداری و تهیه کتاب، با کتشکول شیخ بهایی تشخیصی دیگر یافت؛ زیرا کتشکول احتمالاً از نخستین نمونه های اینگونه است که به انتشار فراوان رسید و از آن، نسخه ها برداشتند. اینگونه جنگ ها که از آن پس، اطلاق «کشکول» (به طور عام) را هم بدان دادند، از زوایای مختلف قابل استفاده و بهره برداری است؛ زیرا از یک سو گستره علایق نگارنده اش را انعکاس می دهد و از سوی دیگر ذوق او را در گزینش هایی از یک موضوع خاص، نمایان می کند. این جنگ ها همچنین از برخی منابع دور از دسترس که اینک در اختیار ما نیست و یا حداقل توقع نداریم به این سادگی در دست دانشوران متقدم بوده باشد، سرنخ هایی عرضه می کند؛ به عبارت دیگر برای مطالعات کتابشناسی و انتشار نسخه های

در پنج موضع از جنگ هم، و قفنامه کتاب (نسخه) به خط شیخ الاسلام ملا عبدالباقی فیضی (از نوادگان فیض و شیخ الاسلام کاشان در عصر ملا احمد نراقی) دیده می شود که در آخرین آن (ص ۳۷۰) او کتاب را بر اعلم اولاد جد خود (ملا محسن فیض) وقف کرده است (رجوع شود به توضیح مفید مرحوم فیضی در پاورقی این صفحه).

جنگ ملاصدرا گرچه به اهمیت کَشکول استاد پیش از او، شیخ بهاء الدین عاملی نیست، ولی فواید بسیاری برای اهل فضل دارد. نکته پایانی اینکه: جای نمونه خط صدرالدین و عرضه صفحاتی از تصویر نسخه (مثلاً خط میرداماد بر آن و یا خط شیخ الاسلام فیضی) در چاپ حاضر خالی است و می تواند برای آن نقصی محسوب شود (اخیراً کتابخانه ملی، جنگی به خط ملاصدرا را چاپ عکسی بی قاعده ای کرده است و گویا بیشتر از پنجاه نسخه از آن نشر نداده اند. متأسفانه طی تماس با کتابخانه ملی، نتوانستم آن را تهیه کنم. احتمالاً درباره همین جنگ است که در «کتابشناسی جامع ملاصدرا» (ص ۳۰۵) می خوانیم: «جنگ: مجموعه ای برگزیده از شعر و نثر و مطالب متنوعی که به انتخاب، خط و امضاء ملاصدرا گرد آمده است. این جنگ تا زمان تدوین کتابشناسی حاضر، فهرست نشده است. نمونه های عکسی از این نسخه منحصر به فرد ارائه می شود. ملی-تهران (بدون شماره بازیابی) ۳۹۱ ص ۱».

کریم کتابیار

تاریخ شفاهی زندگانی اجتماعی فرهنگی آیت الله حائری تهرانی؛ رحیم نیک بخت؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۸۸، ۳۲۲ ص.



مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در مقدمه خود بر کتاب مذکور، ضمن اشاره ای به نقش و جایگاه علمای شیعه از دوره صفوی تا زمان امام خمینی، دوره اخیر را «عصر امام» نامگذاری می کند؛

خطی بین گذشتگان و در مناطق جغرافیایی مختلف، سوزده های بکری به دست می دهد.

جنگ ملاصدرا که اینک در دست ماست و نمی دانیم آیا همین یکی بوده و یا اینکه ملاً در موضوعات و دوره های مختلف جنگ های متعدد برای خود تدوین کرده بوده است، شامل یادداشت های متعدد فلسفی، کلامی، تفسیری و بیشتر شعری است. برخی کتاب هایی که در جنگ حاضر از آنها نقل مطلب شده است، به این شرح است: مشکاة الانوار غزالی، رسائل اخوان الصفا، جواهر القرآن غزالی، کشف الحقایق عزیز نسفی، مثنوی مولوی، تحفة العراقرین، بیان الادیان، حق الیقین شیخ محمود شبستری، مکاتیب قطب محیی، مهر و مشتری عصار، ترجمه قواعد العقاید خواجه نصیرالدین طوسی، رساله مفید المستفید غزالی، فتوحات مکیه، فصوص الحکم، ویس و رامین، منطق الطیر، بوستان سعدی، تأویلات القرآن (احتمالاً از کمال الدین کاشانی)، کتاب هرمس المثلث بالحکمة، مباحص (از صائت الدین ترکه)، گلشن راز، اثری از میرسید شریف جرجانی، سعادتنامه شیخ محمود شبستری، جواهر القرآن، اربعین اصول (از غزالی)، رساله زوراء (از علامه دوانی)، نزهة القلوب، آغاز و انجام، دفتر الجواهر از ابوالوفای خوارزمی، حدیقة الحقیقة، جام جم اوحدی، اخلاق جلالی و اسرارنامه عطار.

همچنین نام شاعران (اغلب فارسی گو و برخی عربی سرا) چندی که شعرشان در جنگ دیده می شود، به این شرح است: خود ملاصدرا، اوحدی، ملای روم، نظامی، اثیرالدین اخسیکتی، سیدحسن غزنوی، سنایی، روزبهان، علی بن الحسین (ع)، امیرالمؤمنین (ع)، سعدالدین حمویه، عمادالدین هبة الله صفاهانی، همام تبریزی، میر عبدالغنی، محمود پوریا، خیام، شیخ مغربی، خسروانی، بایزید بسطامی، سحابی، کمال الدین اسماعیل، جمال الدین عبدالرزاق، مسعود سعد، عمادی شهریاری، سیف الدین اعرج، میرحسینی هروی، شاه داعی، مجید بیلقانی، ابوالفرج رونی، فردوسی، سعدالدین هروی، خسرو دهلوی، رشید وطواط، اشرفی سمرقندی، نظیری معروف به ذواللسانین، ناصر خسرو، سیدنسیمی، منوچهری (شعری که به نام او نقل شده، از دیگری است و آنها را در سفینه های خطی دیده ام؛ شعری به مطلع: چون رأیت صبح شد درخشان / شد خیل ستارگان پریشان)، اسدی طوسی و ابن یعین.



همچنین عموم روحانیون این دوره را به مراجع و علمای حوزه علمیه قم، علما و مراجع محلی، و عاظم منبری، رهبران علمی و فرهنگی تقسیم می‌نماید و آیت‌الله حائری را به واسطه روابط قوی با علمای مبارز، متعلق به دست‌مهر هبران فرهنگی جامعه معرفی کند. پس از آن، خانواده آیت‌الله حائری تهرانی، یادداشتی برای تأیید کتاب از نظر برخی خصوصیات و فعالیت‌های پدرشان به کتاب می‌افزیند. آقای رحیم نیک‌بخت نیز در پیشگفتار، به معرفی زوایای متنوع تاریخی شخصیت آیت‌الله حائری تهرانی می‌پردازد.

فصل اول کتاب با عنوان «زندگی خانواده»، به شرح تولد حاج شیخ مهدی حائری تهرانی در شهر کربلا به تاریخ ۱۳۰۴ ه. ش پرداخته، سپس درباره خصوصیات علمی و جایگاه اجتماعی آیت‌الله حاج شیخ عباس، پدر و حاج ابوطالب جد ه ایشان در کربلا، تهران و قم سخن رانده است. پس از آن به مهاجرت خانواده به مشهد و اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه اسلامی علمی آن شهر و ازدواج وی با دختر حاج مصطفی ایروانی از تجار تحصیل کرده و عضو هیئت امنای مدارس تعلیمات اسلامی می‌پردازد که با فوت ایشان در ۳۰ دی ۱۳۷۹ این دوران به پایان می‌رسد.

فصل دوم کتاب با عنوان «حیات علمی» ابتدا به تحصیلات ابتدایی ایشان در دبستان «پریا» در گذر سید نصرالدین، انتهای بازار تهران و دوره دبیرستان در مدرسه مولوی اشاره دارد و به شرح تحصیلات حوزوی ایشان نزد پدر و ادامه آن در مدرسه مروی، تحت نظر حاج میرزا احمد و حاج میرزا باقر آشتیانی و کسب مدرک لیسانس دانشگاه معقول و منقول دانشگاه تهران، حضور در محافل درسی معتبر مدرسین شناخته شده قم و نجف و اجازه اجتهاد از سوی مراجع وقت نجف می‌پردازد. پس از آن اشاره‌ای به برخی تألیفات و ارتباطات عمیق ایشان با علامه طباطبایی دارد.

فصل سوم کتاب با عنوان «اخلاق اسلامی»، در حدود چهل صفحه به بیان نظرات و خاطرات شخصیت‌ها درباره سلوک الهی وی و همچنین برگزاری دعای کمیل و ندبه در حوزه علمیه قم و دانشگاه آزاد و کمک‌های مادی و معنوی ایشان به طلاب می‌پردازد.

فصل چهارم کتاب با عنوان «حضور در نهضت اسلامی» ابتدا به رابطه با فدائیان اسلام، دستگیری‌ها و زندان‌های مکرر به واسطه همکاری با نهضت امام، امضای نامه مشهور علما برای

آزادی امام پس از خرداد ۱۳۴۲، همچنین پیگیری وضعیت امام در دوران تبعید به ترکیه و عراق می‌پردازد و با ارائه مستندات، به عضویت ایشان در گروه یازده نفره اصلاح حوزه و همکاری در انتشار نشریه بعثت و انتقام و اقامت مخفیانه ایشان در نجف و فعالیت در دفاع از امام پس از انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات (دی ماه سال ۱۳۵۶) اشاره دارد.

فصل پنجم کتاب با عنوان «خدمات فرهنگی و اجتماعی» به معرفی مجموعه‌ای از فعالیت‌های گوناگون اختصاص یافته است. در قسمت «الف» به خدمات رفاهی برای طلاب اشاره دارد و وضعیت درآمدی طلاب را از زمان پدرشان و شیوه همکاری بازاریان به ویژه دوستان پدر همسرش را تشریح می‌کند؛ همچنین به شیوه چاپ جدید کتاب‌های درسی حوزه با استفاده از طلاب مجرب، تأسیس کتابخانه در حوزه‌های قم به سبک جدید، راه‌اندازی خدماتی چون رختشوی خانه و آشپزخانه، درمانگاه، لوله کشی آب شرب و سیم کشی برق برای طلاب می‌پردازد.

قسمت «ب»، خدمات فرهنگی در حوزه را تشریح می‌کند: شیوه و روند احداث اولین کتابخانه در مدرسه حجتیه و نخستین کتابخانه سیار در شهر قم و شرح فعالیت‌های کتابخانه و مرکز پژوهشی و تحقیقاتی بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج) قم، انتشارات دارالعلم و دارالفکر با همکاری علامه طباطبایی و مساعدت آیت‌الله بروجردی، ابداع صندوق پستی برای دریافت سؤالات و ارسال پاسخ، همراهی با مؤسسه در راه حق، انتشار برخی جزوات، ایجاد مرکز تحقیقات مهدویت مسجد جمکران، برقراری کلاس آموزش و عطف، همکاری در انتشار فصلنامه مکتب تشیع، اعزام طلاب برای تبلیغ، ایجاد کلاس‌های روش تحقیق و مقاله‌نویسی، آموزش زبان انگلیسی، تشکیل جامعه محصلین تهرانی برای هماهنگی در فعالیت‌های علمی تبلیغی و همکاری در ایجاد صندوق قرض الحسنه.

قسمت «ج» به ایجاد حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی اختصاص یافته است و این موارد را دربر دارد: تجدید بنای مدرسه رضوی قم، ایجاد مدرسه فاطمیه جنب امامزاده حمزه، مدارس علوم دینی حاج شیخ فضل‌الله نوری، امام مهدی (عج)، علوم دینی امام محمد باقر (ع) و بقیه‌الله در مشهد و فعالیت در مدرسه دین و دانش و تأسیس مدرسه دخترانه نمونه، توسعه خوابگاه دخترانه دانشگاه شهید بهشتی، تأسیس دانشکده الهیات واحد خواهران دانشگاه آزاد اسلامی، ارائه خدمات مادی و

فصل چهارم و پنجم به طور مکرر در قسمت های مختلف کتاب آمده است.

در صفحه ۱۵۵ به فعالیت های مرحوم حائری در مؤسسه «در راه حق» بدون بررسی تاریخچه آن مؤسسه اشاراتی رفته است.

در بحث آموزش و عظ نیز چه خوب بود از خاطرات شیخ علی دوانی با عنوان «نقد عمر» استفاده می شد. در مورد جامعه محصلین تهران در صفحه ۱۶۲ باید از برخی افراد زنده و یا خاطرات کسانی که در قید حیات نبودند، استفاده می شد. خاطرات حجت الاسلام و المسلمین سیدجمال الدین دین پرور (در بندی) در این زمینه، در مرکز اسناد موجود است.

در بحث بازسازی حوزه های علمیه تهران و مشهد، بهتر بود به شیوه و روند و مدت زمان نیز اشاره ای می شد. مدرسه حقانی که این کتاب حدود پنج صفحه خود را به توضیح آن اختصاص داده است و مطالب دروس جدید که منشور تأسیس این مدرسه بود، چندان به تصویر کشیده نشده است.

آنچه مسلم است آیت الله حائری تهرانی فعالیت های فرهنگی فراوانی در شهر مشهد داشتند، ولی متأسفانه چندان توضیحی برای ثبت آن در تاریخ نیامده است.

در بحث خوابگاه دختران دانشگاه شهید بهشتی دست کم می بایست لااقل چند مصاحبه با مسئولان وقت آن، برای ثبت در تاریخ انجام می شد.

یکی از مطالب پایانی کتاب، به مسجد ارك اختصاص دارد. متأسفانه با آنکه مطالب مهمی درباره شیوه بازسازی آن از سوی پدر ایشان و شخص آیت الله حائری برای ثبت در تاریخ وجود داشته است. تنها به طرح فعالیت های حاج منصور ارضی از سال ۱۳۶۴ اکتفا شده است که نمی دانیم تا چه اندازه برای ثبت در تاریخ اهمیت داشته و دارد!

حسین صدر روحانی

معنوی به بی بضاعتان شهرک کاروان، نحوه اداره مسجد ارك تهران و تأسیس مسجد الغدیر.

در پایان کتاب، اسناد و عکس های منحصر به فرد، غنای خاصی به این مجموعه افزوده است.  
نقد و بررسی:

مرکز اسناد در مقدمه کتاب، علما را در دوره نهضت امام به چهار دسته تقسیم می کند؛ ولی در توضیح و شرح مطلب، اشاره ای به جایگاه علما و مراجع حوزه های عراق، لبنان و سوریه نمی نماید؛ زیرا نوع تفکرات مراجع ایرانی ساکن در آن کشورها، رابطه نزدیکی با نوع تلقی و تفکر مقلدین خود در ایران دارد.

پیشگفتار کتاب دارای محتوای خوبی است، ولی روش کار در این کتاب و شیوه جمع آوری اطلاعات برای آگاهی خوانندگان بیان نشده است؛ همچنین اشاره ای به کارشکنی مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی برای گروه الهیات شده که بدون توضیح و البته احساسی تنظیم شده است.

اقامت حاج شیخ عباس حائری، پدر ایشان و اسم مسجدی که بازاریان تهران برای اقامه نماز در مجاورت امامزاده زید ساختند و خصوصیات و اهمیت احتمالی آن، نیاز به توضیح دارد. مؤلف سپس به شرح حال جده ایشان اشاره کرده است که شاید اگر قبل از مطلب پدر می آمد، زنجیره افکار خواننده دچار خدشه نمی شد.

همچنین در صفحات ۲۹-۳۷، مؤلف به فعالیت های پدر ایشان در زمان پهلوی اول با محوریت تبلیغ مخفیانه احکام و سنن اسلامی در تهران اشاره دارد. در صفحه ۴۱ نیز به مهاجرت وی به مشهد به دلیل مشکلاتی که از سوی دولت برای روحانیون ایجاد شد، اشاره رفته است. در این صفحات به اتمام تحصیلات وی در مدرسه علمی مشهد و در ابتدای فصل بعدی، به تحصیلات ایشان در مدرسه ثریای تهران اشاره شده است.

در صفحه ۶۷ به اجازه روایت و وکالت از سوی ۲۲ تن از علما و مراجع به طور فهرست وار اشاره شده است. ابتدای این اسامی با نام آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی آغاز شده که البته به علت بعد زمانی، به توضیح نیاز دارد. در فصل سوم، اگر ویژگی های اعتبار علمی ایشان در قالب حوادث و رویدادها، منطبق بر روزشمار تاریخی عرضه می شد، اعتبار علمی کتاب افزایش می یافت و موجب غنای بیشتر مطالب می شد. مطالب